

نقد ترجمه محمدرضا صفوی از آیات اخلاقی قرآن بر اساس

هنجار رابطه‌ای چسترمن

فاطمه ورمزبادی^۱، احمد امیدعلی^{۲*}، حمید ورمزبازی^۳، ابراهیم اناری بزچلویی^۴

۱- دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

fvarmazyari99@gmail.com

۲- استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

a-omidali@araku.ac.ir

۳- استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

h-varmazyari@araku.ac.ir

۴- دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

i-anari@arak.ac.ir

چکیده

شمار آیات اخلاقی که فضائل و رذائل اخلاقی را بیان می‌کنند، در قرآن کریم بسیار است. با توجه به اهمیت اخلاق در رشد و کمال انسان، این آیات در قالب پیام‌های اخلاقی بیشترین کاربرد را دارند؛ از این رو، لازم است از ترجمه‌های محتوایی و تفسیری همراه این آیات استفاده شود تا پیام اخلاقی آیات دقیق‌تر منتقل شود. ترجمه صفوی نمونه‌ای از ترجمه محتوایی و تفسیری است که می‌توان آن را همراه این آیات به کار برد. در این پژوهش، کیفیت ترجمه صفوی از آیات اخلاقی به روش توصیفی - تحلیلی بر اساس نظریه هنجار رابطه‌ای آندرو چسترمن نقد و بررسی شد. چسترمن مطالعات ترجمه را علمی هنجارگرا به معنای توصیفی کلمه میدانند. او برای بیان ارتباط میان زبان مبدأ و مقصد از هنجار رابطه‌ای بهره برده است و با طرح راهبردهایی در سه سطح نحوی، معنایی و منظورشناختی آن را شرح داده است؛ در نتیجه، صفوی در ترجمه آیات اخلاقی در سطح نحوی بیشتر از راهبردهای تحت‌اللفظی، تغییر مقوله دستوری، تبدیل واحد و وام‌گیری، در سطح معنایی بیشتر از راهبرد هم‌شمولی و در سطح منظورشناختی برای توضیح آیات و بیان جمله‌های محذوف و مقدر از راهبردهای تغییر میزان صراحت و تغییر اطلاعات استفاده کرده است. او به واسطه کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و منظورشناختی، نکات صرفی، نحوی، معنایی و تفسیری آیات را مطابق زبان معیار فارسی ترجمه و هنجار رابطه‌ای را لحاظ کرده است؛ از این رو، ترجمه او از آیات اخلاقی کیفیت بسیار خوبی دارد.

واژگان کلیدی: ترجمه آیات اخلاقی، محمدرضا صفوی، هنجار رابطه‌ای، راهبردهای ترجمه،

چسترمن.

۱- طرح مسأله

قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید پیامبر اسلام (ص) و اصلی‌ترین منبع وحی در کنار «احادیث» و «سنت» برای درک احکام دین اسلام منبعی مهم است و افرادی که به زبان عربی آگاه نیستند، برای درک و فهم محتوا و معانی متعالی قرآن لازم است به ترجمه‌ای دقیق و جامع دسترسی داشته باشند.

در دوره حاضر، مترجمان معاصر قرآن کریم را به زبان روز ترجمه می‌کنند تا به نیاز جامعه دینی خویش پاسخ دهند و در ابلاغ حقایق قرآن و گسترش هرچه بیشتر آیین اسلام سهیم باشند؛ از این رو، نقد و بررسی ترجمه‌های قرآن بر اساس نقد و نظرهای مختلف ضروری است تا ترجمه‌ها از زوایای مختلف نقد شوند و مترجمان با مراجعه به نقدهای موجود، خطاهای موجود در ترجمه خود را به کمترین حد ممکن برسانند و ترجمه‌ای مطلوب و مناسب از قرآن کریم ذت ارائه دهند. ترجمه قرآن در عصر حاضر به شیوه‌هایی مختلف نقد و بررسی شده است. یکی از این شیوه‌ها کاربرد نظریه‌های ترجمه معاصر در نقد ترجمه قرآن است تا علاوه بر نقد ترجمه‌های موجود، شیوه‌های علمی ترجمه نیز بیان شوند و در نهایت، این کتاب مقدس با دقت و ظرافت تمام که شایسته آن است به زبان‌های زنده دنیا ترجمه شود.

یکی از نظریه‌های جدید که زیرشاخه مطالعه‌های محض ترجمه است مطالعه‌های توصیفی ترجمه است که بیان می‌کند هدف از مطالعه ترجمه پایه‌گذاری قواعد، هنجارها و دستورالعمل‌هایی برای عمل یا نقد ترجمه یا ارائه ابزار آموزشی برای آموزش مترجمان نیست. هدف اصلی مطالعه‌های توصیفی ترجمه عبارت است از توصیف پدیده ترجمه و ترجمه کردن چنانکه ما در دنیای واقعی تجربه می‌کنیم. به عبارت دیگر، در مطالعه‌های توصیفی، ترجمه‌ها همان‌طور که در دنیای واقعی نمود یافته‌اند بررسی می‌شوند و روی ابعاد قابل مشاهده آن‌ها تمرکز می‌شود؛ به همین دلیل است که مطالعات ترجمه را جزء

علوم تجربی به حساب می‌آورند (Hermans, 1999, p. 7).

یکی از مباحثی که در مطالعه‌های توصیفی بررسی شده است موضوع هنجار در ترجمه است. گیدئون توری از نظریه‌پردازان نقش گرا است که برای اولین بار بحث از هنجارها در ترجمه را در سال ۱۹۷۸م در مقاله «ماهیت و نقش هنجارها در مطالعات ترجمه» وارد حوزه مطالعات ترجمه کرد. او معتقد است در هر جامعه ارزش‌ها و عقایدی دال بر درست یا غلط بودن رفتارهای مختلف وجود دارند که نشان می‌دهند در جامعه هنجارهایی مشخص وجود دارند. مترجم باید با این هنجارها آشنا و آن‌ها را در حین کار مدنظر داشته باشد تا بتواند ترجمه‌ای قابل قبول را ارائه دهد (Tourey, 1978/2000, pp. 53-55). آندرو چسترمن^۲ یکی دیگر از نظریه‌پردازانی است که مطالعات ترجمه را علمی هنجارگرا به معنای توصیفی کلمه می‌داند و با تبعیت از نظریه‌های توری هنجارها را بررسی می‌کند. او از استعاره «meme»^۳ در ترجمه استفاده می‌کند. این کلمه از جامعه‌شناسی گرفته شده و به معنای ایده‌هایی است که گسترش می‌یابند و خود را، همانند ژن‌ها، تکثیر می‌کنند. اگر یک «meme» در اثر تکرار و تکثیر غالب شود و «meme» رقیب را از صحنه به در کند، به هنجار تبدیل خواهد شد (Chesterman, 2016, p. 51).

چسترمن هنجارها را در قالب هنجارهای انتظار یا محصول و هنجارهای حرفه‌ای یا فرآیند دسته‌بندی می‌کند. به نظر او، هنجار انتظار یا محصول از سنت غالب ترجمه، ایدئولوژی حاکم و ملاحظه‌های اقتصادی و عرف نوشتار در زبان مقصد نشئت می‌گیرد و هنجارهای فرآیند را در سه دسته، هنجار مسئولیت‌پذیری، ارتباطی و رابطه‌ای (زبانی)، تقسیم می‌کند و برای رسیدن و یافتن هنجار غالب و همچنین، حل مشکلات موجود در ترجمه در قسمت هنجار رابطه‌ای، راهبردهایی را در سه سطح نحوی، معنایی و منظورشناختی ارائه می‌دهد (ماندی،

۱۳۹۷ش، صص ۲۴۴-۲۴۲). بر اساس این نظریه، ترجمه را می‌توان از ابعاد مختلف نقد و بررسی کرد. در این پژوهش، سعی شده است تا هنجار رابطه‌ای بررسی شود که مترجم به واسطه کاربرد راهبردها در ترجمه ایجاد کرده است.

در این پژوهش، از میان ترجمه‌هایی متنوع و بسیار که از قرآن انجام شده است، ترجمه محمدرضا صفوی برای نقد و بررسی در نظر گرفته شده است؛ زیرا این ترجمه ترجمه‌ای دوئیدی است؛ از یک سو، دقت مترجم در انتقال معنای الفاظ با در نظر گرفتن ریشه، هیئت، جایگاه آن‌ها در کلام و سایر نکات صرفی و نحوی و بلاغی، ویژگی مبدأگرایی را به ترجمه می‌دهد و از سوی دیگر، استفاده از تفسیر برای ترجمه و افزودن عبارت‌های بسیار که حجم ترجمه را تقریباً دو برابر متن اصلی کرده است، آن را به سمت ترجمه مقصدگرا سوق می‌دهد (هاشمی، ۱۳۹۸ش، ص ۲). با توجه به این موضوع، ترجمه صفوی برای کاربرد همراه آیات اخلاقی مناسب است؛ زیرا ترجمه‌ای محتوایی و تفسیری است.

اخلاق از مهم‌ترین مباحث قرآنی است؛ زیرا از اهداف مهم بعثت فرستادگان خداوند در طول تاریخ زندگی بشر اخلاق و مباحث مربوط به آن و به تبع آن تزکیه و تربیت انسان است. از سوی دیگر، اخلاق به عنوان یکی از سه پایه اساسی معارف دینی در کنار عقاید و احکام مطرح است و شیوه صحیح زندگی را به انسان‌ها می‌آموزد و سیر و حرکات آنان را به سوی کمال مطلق تنظیم می‌کند؛ بنابراین، در آیات بسیار به موضوع اخلاق اشاره شده است و کتاب‌های مختلف اخلاق در قرآن را بررسی کرده‌اند، از جمله کتاب موسوعه اخلاق/القرآن نوشته احمد شرباصی در شش جلد؛ در این کتاب آیات اخلاقی همراه شرح آن‌ها جمع‌آوری شده‌اند.

به دلیل کاربرد آیات اخلاقی در زمینه‌های گوناگون، ترجمه آن‌ها باید تا حد امکان استوار و دقیق و قوی باشد تا مخاطبان عام و خاص به‌آسانی با ترجمه ارتباط برقرار

کنند و پیام اخلاقی آیه را درک کنند؛ بنابراین، برای نقد ترجمه آیات اخلاقی، چارچوب نظری منسجم و هدفمندی لازم است تا میزان کیفیت ترجمه آن‌ها به طور دقیق قابل توصیف باشد. در این پژوهش، بر اساس دسته‌بندی کتاب موسوعه اخلاق/القرآن، از میان آیات فراوان اخلاقی، دو موضوع امانت‌داری و تقوا انتخاب شده‌اند تا راهبردهای نحوی، معنایی و منظورشناختی ترجمه آن‌ها بر اساس نظریه هنجار رابطه‌ای چسترمن تحلیل و بررسی شوند؛ زیرا هدف پژوهش این است که میزان ارتباط ترجمه آیات با خود آیه‌ها و با زبان معیار مقصد بیان شود.

چسترمن راهبردهایی را در سه سطح نحوی، معنایی و منظورشناختی برای ایجاد هنجار رابطه‌ای در ترجمه بیان می‌کند. او در سطح نحوی، راهبردهای وام‌گیری، تغییر ساختار جمله‌واره، تبدیل واحد و ...، در سطح معنایی، راهبردهای تضاد، شمول معنایی، تغییر توزیع و ... و در سطح منظورشناختی، راهبردهای تغییر میزان صراحت، تغییر اطلاعات، تغییر بینافردی و ... را مطرح کرده است. زمانی که راهبردهای به‌کاررفته توسط مترجم از یک سو، با زبان معیار مقصد منطبق و از سوی دیگر، به متن مبدأ پایبند باشند، می‌توان گفت هنجار رابطه‌ای در ترجمه ایجاد شده است.

پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. صفوی در ترجمه آیات اخلاقی برای ایجاد هنجار رابطه‌ای چه راهبردهای نحوی، معنایی، منظورشناختی را به کار برده است؟ و طبق آن‌ها کیفیت ترجمه صفوی چگونه است؟

۲. پرکاربردترین راهبردهایی که صفوی برای ایجاد هنجار رابطه‌ای به کار برده است، کدام‌اند؟

روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است که در آن، هنجار رابطه‌ای به‌کاررفته در ترجمه صفوی از آیات اخلاقی، بنا بر نظریه چسترمن، از طریق بررسی راهبردهای ترجمه در سه سطح نحوی، معنایی و

منظورشناختی مقایسه و تحلیل شد. برای این منظور، شش آیه اخلاقی با موضوع امانت و تقوا بر اساس محتوای ترجمه‌شان انتخاب شدند؛ زیرا ترجمه برخی از آیات تحت‌اللفظی است و راهبردی در آن‌ها به کار نرفته است. پس از گزینش آیات، ذیل هر آیه ترجمه مربوط نوشته شد و بر اساس راهبردهای ارائه شده، ترجمه آیات با متن اصلی مقایسه شد تا مشخص شود مترجم از چه راهبردهایی برای ترجمه آیات بهره برده است. پس از پایان بررسی‌ها، پرکاربردترین راهبردها برای ایجاد هنجار رابطه‌ای در ترجمه آیات جمع‌بندی شدند.

۲- پیشینه پژوهش

درباره نقد ترجمه صفوی بر اساس نظریه‌های نقد ترجمه، فقط پایان‌نامه اصغرپور (۱۳۹۷ش) با عنوان «نقد بلاغی و ادبی ترجمه (مطالعه موردی: سوره فاطر ترجمه محمدرضا صفوی بر اساس نظریه یوجین ناید)» است که در آن، نویسنده بر اساس نظریه ناید، مؤلفه‌های نشانه‌شناسی، معناشناسی و زبان‌شناسی ترجمه صفوی از سوره فاطر را نقد و بررسی کرده است.

پژوهش‌های انجام‌شده بر اساس نظریه هنجارهای چسترمن انگشت‌شمار هستند و فقط دو پژوهش ترجمه‌های قرآن را بررسی کرده‌اند: (۱) پایان‌نامه رضایی (۱۳۹۸ش) با عنوان «بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم برای نوجوانان در چارچوب نظریه هدفمندی: موردپژوهی جزء سی». نویسنده در این پژوهش چهار ترجمه از قرآن کریم که برای نوجوانان نوشته شده‌اند را بر اساس سه سطح نحوی، معنایی و منظورشناختی چسترمن (۲۰۱۶م) بررسی کرده است. در هر چهار ترجمه، سطح منظورشناختی و سپس، معنایی بیشترین کاربرد را داشته‌اند. محور این پژوهش شناسایی راهبردهای گوناگون در سطوح مختلف و بیان آماری کاربرد راهبردها توسط هر مترجم در ترجمه قرآن کریم برای نوجوانان و مقایسه آن‌ها با یکدیگر بر اساس هدف

ترجمه است؛ بنابراین، تحلیلی از کیفیت و چگونگی کاربرد راهبردها بر اساس هنجار رابطه‌ای انجام نشده است.

(۲) پایان‌نامه ایزدپناه (۱۳۹۵ش) با عنوان «تحلیل راهبردهای مورد استفاده در ترجمه اسم‌های خاص قرآنی بر اساس مدل چسترمن (۲۰۱۶م)». در این پژوهش، ترجمه‌های شش مترجم که قرآن را از عربی به انگلیسی ترجمه کردند، به منظور بیان مشکلات و راهکارهای ترجمه اسم‌ها و اسامی خاص در قرآن کریم بر اساس مدل چسترمن (۲۰۱۶م) مقایسه و مطالعه شدند.

با توجه به پیشینه پژوهش، ترجمه صفوی از آیات اخلاقی بر اساس نظریه هنجار رابطه‌ای چسترمن نقد و بررسی نشده است و با توجه به اینکه نظریه چسترمن از نظریه‌های معاصر و جامع در نقد ترجمه است، پژوهش حاضر در نظر دارد تا ترجمه محمدرضا صفوی از آیات اخلاقی را در چارچوب هنجارهای چسترمن بررسی کند.

۳- چارچوب نظری

چسترمن در کتاب خود با عنوان *ژن‌های فرهنگی: گسترش اندیشه‌ها در مطالعات ترجمه*، از نظریه گیدئون توری دو هنجار آغازین و عملیاتی را وام می‌گیرد. هنجارهای فرآیند برگرفته از هنجارهای عملیاتی گیدئون توری هستند که عملیات ترجمه را تنظیم می‌کنند. او این هنجارها را به سه هنجار تقسیم می‌کند:

۱- هنجار مسئولیت‌پذیری: به مسئولیت‌پذیری مترجم در قبال ترجمه‌اش اشاره دارد؛ از این رو، هنجاری اخلاقی است که مترجم را به رعایت امانت و دقت در ترجمه ملزم می‌کند.

۲- هنجار ارتباطی: به این معنا است که مترجم راه ارتباط و رساندن «پیام» به خوانندگان را بشناسد؛ بنابراین، هنجاری اجتماعی است که مترجم را به انجام وظیفه اجتماعی که همان ارتباط با مخاطب است، ملزم می‌کند.

۳- هنجار رابطه‌ای: به معنای حفظ ارتباط میان متن

مبدأ و متن مقصد است؛ از این رو، هنجاری زبانی است. در این هنجار، چسترمن رابطه تعادلی صرف را رد می‌کند و معتقد است مترجم با توجه به نوع متن و خواسته‌های سفارش‌دهنده، مقاصد نویسنده اصلی و نیازهای خوانندگان احتمالی در آینده را برای ایجاد رابطه صحیح میان هر دو متن در نظر بگیرد.

هنجارهای یادشده از هنجارهای توری گسترده‌تر و کامل‌تر هستند؛ زیرا چسترمن عملیات ترجمه و کارهای مترجم را به طور کامل توصیف کرده است (ماندی، ۱۳۹۷ش، ص ۲۴۴؛ عنانی، ۲۰۰۳م، ص ۲۳۸).

چسترمن برای ایجاد هنجار رابطه‌ای یا زبانی در ترجمه «راهبرد» ارائه می‌دهد تا به وسیله این راهبردها، هنجار رابطه‌ای میان متن مبدأ و مقصد به‌خوبی شکل گیرد. او راهبرد را این‌گونه تعریف می‌کند: «راهبرد ترجمه فرآیندی آگاهانه است، یعنی مشکلی را که فرد زمان ترجمه بخشی از یک متن از زبانی به زبان دیگر دچار می‌شود را حل می‌کند» (Chesterman, 2016, p. 11). به نظر چسترمن، مترجمان برای پیروی از هنجارها راهبردها را به کار می‌برند تا به ترجمه مطلوب و مناسب دست یابند. کار اصلی راهبردها توصیف انواع رفتارهای زبانی و به ویژه رفتارهای متنی زبانی است. این راهبردها نوعی روش دست‌کاری متن هستند که می‌توان با مقایسه متن مبدأ و مقصد آن‌ها را یافت. نقطه آغاز هر راهبرد مشکلی است که در ترجمه وجود دارد و راهبرد راه‌حلی برای این مشکل است تا مترجم بتواند به وسیله آن، رابطه مدنظر میان متن مبدأ و متن مقصد را ایجاد کند (Chesterman, 2016, pp. 88-89).

چسترمن راهبردهایی را در سطوح نحوی، معنایی و منظورشناختی مطرح می‌کند و معتقد است این گروه‌ها ممکن است با یکدیگر همپوشانی داشته باشند:

۱. راهبردهای نحوی: یعنی تغییر صوری یا تغییر قالب متن که شامل ترجمه تحت‌اللفظی، وام‌گیری، تغییر مقوله دستوری کلمات، تغییر ساختار جمله‌واره، تغییر

انسجام و تغییر در ویژگی‌های بلاغی متن می‌شود (Ibid, p. 94).

۲. راهبردهای معنایی: یعنی تغییرات معنایی واژگان و جمله‌واره‌ها و عبارت‌ند از: هم‌معنایی، تضاد، شمول معنایی، افعال معکوس، تغییر تجرید، تغییر توزیع، تغییر تأکید، دگرگویی، تغییر مجاز و دیگر تغییرات معنایی (Ibid, p. 101).

۳. راهبردهای منظورشناختی: یعنی انتخاب اطلاعات در متن مقصد که تحت تأثیر آگاهی مترجم از میزان اطلاعات خواننده احتمالی ترجمه قرار دارد. این راهبردها به تغییر پیام منجر می‌شوند. در این راهبرد، مترجم با در نظر گرفتن مخاطب و هدف ترجمه، راهبرد خود را انتخاب می‌کند؛ راهبردهایی مانند اعمال فیلتر فرهنگی، تغییر میزان صراحت، تغییر اطلاعات، تغییر بینافردی، تغییر در عمل گفتاری جمله، تغییر انسجام متن، ترجمه ناقص، پیدایی مترجم در ترجمه، تصحیح متن مبدأ و دیگر تغییرات منظورشناختی در این گروه قرار دارند (Ibid, p. 107).

هر یک از سطوح مختلف یادشده راهبردهایی را برای مترجم ارائه می‌دهد تا به وسیله آن‌ها مشکلات موجود در ترجمه را حل کند. در ادامه، نمونه‌هایی از آیات اخلاقی با ترجمه صفوی بر اساس راهبردهای چسترمن بررسی شده‌اند تا توانایی این مترجم در کاربرد این راهبردها و نحوه ایجاد هنجار رابطه‌ای میان متن مبدأ و مقصد بیان شود.

۴- نقد ترجمه برخی از آیات اخلاقی

از میان آیات اخلاقی فراوان، دو موضوع امانت و تقوا به عنوان نمونه آیات اخلاقی گزینش شده‌اند و ذیل هر موضوع، ترجمه سه آیه از نظر راهبردهای نحوی، معنایی و منظورشناختی نقد و بررسی شده‌اند.

۴-۱- ادای امانت

در کتاب موسوعه اخلاق القرآن، ذیل عنوان امانت، سه آیه ۷۲ سوره احزاب، ۵۸ سوره نساء و ۲۸۳ سوره بقره بیان شده‌اند (شرباصی، ۱۴۰۷ق، صص ۱۸-۱۵). در ادامه، هر یک از آیه‌های بالا همراه ترجمه صفوی بیان شده و بر اساس راهبردهای چسترمن نقد و بررسی شده است.

۴-۱-۱- (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا) (احزاب: ۷۲).

ترجمه صفوی: به‌راستی ما امانت خود را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، ولی آن‌ها سرباز زدند و از اینکه آن بار سنگین را بگیرند، امتناع کردند و از آن هراسناک شدند، اما انسان آن را بر عهده گرفت، چرا که او ستمکار و نادان بود.

۴-۱-۱-۱- سطح نحوی

راهبرد تحت‌اللفظی^۹: ترجمه‌ای است که از نظر ظاهری بسیار شبیه متن مبدأ است و به طور پیش‌فرض در بیشتر ترجمه‌ها اعمال می‌شود و فقط در شرایط ویژه ممکن است تغییر کند (Chesterman, 2016, p. 94). واژه‌هایی که زیر آن‌ها در متن ترجمه آیات خط کشیده نشده است جزء ترجمه تحت‌اللفظی هستند. در این آیه، ۱۲ واژه تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند.

راهبرد وام‌گیری^{۱۰}: بنا بر نظر چسترمن، این راهبرد هم به وام‌گیری تک‌تک مقوله‌ها و هم به وام‌گیری نحوی مربوط می‌شود که سبب می‌شود یک تغییر عمودی در متن ایجاد شود. وینه و داربلنه^{۱۱} نیز از وام‌گیری به عنوان راهبردهای ترجمه نام برده‌اند (Chesterman, 2016, p. 94). وام‌گیری وارد شدن مستقیم واژگان از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون تغییر در لفظ و معنا است. زمانی که

مترجم با واژه‌ای روبه‌رو می‌شود که معادل آن با همان مفهوم در زبان مقصد وجود ندارد یا معادلی نزدیک دارد اما به خاطر حفظ بافت دینی و فرهنگی و تاریخی آن را عیناً به کار می‌برد، از راهبرد وام‌گیری بهره برده است. (احمدی و بابایی، ۱۴۰۱ش، ص ۲۲۳). صفوی در این آیه واژه «الْأَمَانَةُ» را با استفاده از راهبرد وام‌گیری به واژه «امانت» ترجمه کرده است تا بافت دینی آن را حفظ کند.

«عرض» مصدر عربی به معنای ارائه کردن، نشان دادن و نمایاندن و... است» (دهخدا، ۱۳۹۰ش-۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۱۹۷۶). صفوی به وسیله راهبرد وام‌گیری معادل فعل «عَرَضْنَا» را «عرضه کردیم» قرار داده است. «معنای عرضه کردن این است که ما یک‌یک موجودات را با آن سنجیدیم و قیاس کردیم، هیچ یک استعداد پذیرفتن آن را نداشتند، به‌جز انسان» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۵۲۷). با توجه به معنایی فراگیر که «عرضه کردیم» نسبت به معادل‌های فارسی آن دارد، صفوی در ترجمه آن از راهبرد وام‌گیری بهره برده است.

علاوه بر صفوی، مترجمانی مانند فولادوند و خرمشاهی دو واژه «الْأَمَانَةُ» و «عَرَضْنَا» را با کاربرد راهبرد وام‌گیری ترجمه کرده‌اند تا هنجار رابطه‌ای و ارتباط میان زبان مبدأ و مقصد در ترجمه این دو واژه به‌درستی شکل گیرد؛ زیرا با کاربرد معادل فارسی دو واژه بافت دینی و معنایی واژه‌ها در ترجمه منتقل نمی‌شد.

راهبرد تبدیل واحد^{۱۲}: چسترمن این راهبرد را از کتفورد^{۱۳} وام گرفته است؛ به این ترتیب که یک واحد در متن مبدأ به واحدی متفاوت در متن مقصد تبدیل می‌شود. واحدهای زبانی عبارت‌ند از: تک‌واژه، کلمه، گروه، جمله‌واره و جمله (Chesterman, 2016, p. 96).

صفوی واژه «الْأَمَانَةُ» را به گروه اضافی «امانت خود» تبدیل کرده است (بصیریان، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۸)؛ به نظر، دلیل این تبدیل تقریر و تأکیدی است که در واژه امانت وجود دارد (الدرویش، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۷). خرمشاهی نیز این واژه را به گروه اضافی «امانت خویش» تبدیل کرده

است؛ با این تفاوت که واژه اضافه‌شده را درون علامت نگارشی قرار داده است.

راهبرد تغییر مقوله دستوری^{۱۰}: در این راهبرد، یک مقوله دستوری به مقوله دستوری متفاوتی تغییر می‌کند. برای مثال، اسم در متن مبدأ به فعل در متن مقصد تغییر می‌کند (Chesterman, 2016, p. 96).

واژه «أَنْ يَحْمِلْنَهَا» مصدر مؤول در نقش مفعول به فعل «أُبَيِّنَ» است (الدرویش، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۷) صفوی در ترجمه این گروه اسمی را به گروه فعلی «آن بار سنگین را برگیرند» تبدیل کرده است. تبدیل مصدر مؤول در زبان عربی به فعل در زبان فارسی از راه‌های روان‌سازی ترجمه است (ناظمیان و خورشید، ۱۳۹۸، ص ۲۵۴)؛ اما مترجمانی مانند فولادوند و خرمشاهی مصدر مؤول «أَنْ يَحْمِلْنَ» را به صورت مصدری (برداشتن/پذیرفتن) ترجمه کرده‌اند و آن را به فعل تبدیل نکرده‌اند؛ زیرا بدون تبدیل آن جمله ساده و روان است و نیازی به تبدیل مصدر به فعل نیست. با توجه به این امر، تبدیل مصدر مؤول به فعل زمانی ضروری است که بدون تبدیل، جمله قابل درک نباشد.

راهبرد تغییر ساختار گروه^{۱۱}: این راهبرد شامل تغییراتی در سطح گروه می‌شود که یکی از این تغییرات تغییر در تعریف و تنکیر گروه اسمی است (Chesterman, 2016, p. 97). در این آیه، دو واژه «ظَلُّومًا جَهْلُومًا» دو خبر نکره برای فعل ناقص «كَانَ» هستند (الدرویش، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۷). معنای تنکیر مسند گاهی عدم حصر و عهد است (الفتنازانی، بی‌تا، ص ۱۷۳). با توجه به مفهوم آیه، معنای نکره در این واژگان عدم حصر و عهد است؛ زیرا «انسان‌هایی که عهده‌دار امانت شده‌اند و از آن مراقبت کرده‌اند شامل این اوصاف نمی‌شوند و فقط انسان‌هایی که بدعهدی کنند مصداق «ظَلُّومًا جَهْلُومًا» هستند» (الزمخشری، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۶۵). با توجه به اهمیت معنای نکره در این دو واژه، صفوی معنای آن‌ها را

به معرفه (ستمکار و نادان) تبدیل کرده است و در ساختارگروه آن‌ها و به تبع آن در معنایشان تغییر ایجاد کرده است؛ در حالی که فولادوند با معادل «ستمگری نادان» و خرمشاهی با معادل «ستمکاری نادان» سعی در انتقال مفهوم نکره واژگان داشته‌اند.

۲-۱-۱-۴- سطح معنایی

راهبرد هم‌معنایی^{۱۲}: مترجم به وسیله این راهبرد یک کلمه مترادف را انتخاب می‌کند تا از تکرار کلمه در ترجمه جلوگیری کند (Chesterman, 2016, p. 99). مشتقات فعل «حَمَلَ/يَحْمِلُ» در آیه دو مرتبه به شکل‌های «أَنْ يَحْمِلْنَهَا» و «وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» به کار رفته است؛ فاعل «أَنْ يَحْمِلْنَهَا» آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها است و فاعل فعل دوم «وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» اسم ظاهر «الْإِنْسَانُ» است. واژه «حمل» در قرآن مفهوم کلی و عام دارد (المصفوی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۳۳) و معنای «حمل» آن است که انسان چیزی را بردارد (چه برسر، یا بردوش، یا پشت یا در شکم) و نیز فرقی در حمل نیست که مادی باشد یا معنوی، مانند گناه، حامل هم گاهی انسان است و گاهی غیرانسان» (ربانی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۷). با توجه به این توضیح، هر دو فعل با وجود فاعل‌های متفاوت یک معنا و مفهوم دارند و آن حمل کردن امانت است. صفوی می‌توانست هر دو فعل را به دلیل مشابهت مفهومی با معادلی یکسان ترجمه کند؛ اما او با استفاده از راهبرد معنایی معادل «أَنْ يَحْمِلْنَ» را «برگیرند» و معادل فعل دوم «وَحَمَلَ» را «بر عهده گرفت» ترجمه کرده است تا از تکرار فعل در ترجمه پرهیز کند؛ در صورتی که دلیل تکرار فعل در آیه این است که یک کار و عمل یکسان از دو فاعل متفاوت خواسته شده است؛ بنابراین، به نظر بهتر بود مترجم هر دو فعل را در این آیه با یک معادل یکسان ترجمه می‌کرد تا مخاطب یکسانی کار خواسته‌شده را درک کند. از میان مترجمان، فولادوند و خرمشاهی به این

موضوع توجه کرده‌اند و معادل‌های «برداشتن/برداشت» و «پذیرفتن/پذیرفت» را برای این دو واژه به کار برده‌اند.

راهبرد هم‌شمولی^{۱۳}: به نظر چسترمن، این نوع تغییر در ترجمه بسیار رایج است. برای مثال، مترجم از واژه معناشمول به جای واژه فراگیر یا برعکس استفاده می‌کند یا یک معناشمول را به جای یک معناشمول دیگر به کار می‌برد (Chesterman, 2016, p. 98).

فعل «أَشْفَقْنَ مِنْهَا» بنا بر سیاق آیه عبارت است از: «فإشفاقُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَالجِبَالِ لَيْسَ بِمَعْنَى الخَوْفِ وَالْوَحْشَةُ بَلْ بِمَعْنَى الْقُصُورِ وَالضَّعْفِ وَالرَّخْوَةُ وَالرَّفَقَةُ الذَّائِيَّةُ» (المصطفوی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۱۰۶)؛ یعنی «إشفاق» در آیه به معنای ترس و وحشت آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها نیست، بلکه ناتوانی و عجز و سستی ذاتی آن‌ها سبب شده است تا آن‌ها از پذیرش امانت سر باز زنند. با توجه به توضیح، «أَشْفَقْنَ مِنْهَا» معنای مجازی دارد و مجاز از ناتوان شدن و عاجز شدن است. صفوی در ترجمه معادل لغوی آن یعنی «هراسناک شدند» را استفاده کرده است که غرض اصلی آیه را به مخاطب منتقل نمی‌کند. دیگر مترجمان نیز این واژه را بر اساس لغت ترجمه کرده‌اند. به نظر، برای انتقال غرض اصلی آیه مناسب است معنای مجازی مانند «از آن ناتوان شدند، از آن عاجز شدند» استفاده شود.

تغییر مجاز^{۱۴}: یعنی تغییر تشبیه، استعاره و کنایه و ... در ترجمه (Chesterman, 2016, p. 100). ضمیر «ها» در «أَنْ يَحْمِلْنَهَا» به «الأمانة» ارجاع می‌دهد (الدرویش، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۷) و «حمل الأمانة» در «أَنْ يَحْمِلْنَهَا» یعنی امانت مانند بار بر دوش صاحبش است تا زمانی که ادا شود (الزمخشری، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۶۴)؛ از این رو، استعاره مکنیه در آیه وجود دارد؛ به این ترتیب که «الأمانة» مشبه و «أَنْ يَحْمِلْنَ» از لوازم مشبه‌به و «بار» مشبه‌به محذوف است. صفوی با استفاده از راهبرد تغییر مجاز، ضمیر «ها» در «أَنْ يَحْمِلْنَهَا» را به «آن بار سنگین» ترجمه کرده است و با این کار، مشبه‌به را در ترجمه بیان کرده است و

استعاره موجود را به تشبیه مبدل کرده است تا ترجمه برای همه خوانندگان قابل درک باشد. فولادوند و خرمشاهی بدون تغییر در استعاره، آیه را ترجمه کرده‌اند و درک و دریافت مشبه‌به را به عهده خواننده نهاده‌اند.

راهبرد تغییر تأکید^{۱۵}: یعنی به هر دلیلی، مترجم تأکید در جمله را کاهش، افزایش یا تغییر دهد (Chesterman, 2016, p. 99). آیه با جمله «إِنَّا غَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَالجِبَالِ» آغاز شده است که بیانگر هیبت و بزرگی مقام امانت است (الدرویش، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۷). «إِن» در آغاز کلام فقط پیش‌درآمدی برای آن است و حالت تأکید ندارد (آذرنوش، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۴)؛ اما صفوی به وسیله راهبرد تغییر تأکید، معادل کلمه «إِنَّا» را «به‌راستی» قرار داده است تا از این طریق عظمت امانت را در ترجمه منتقل کند.

۳-۱-۱-۴- سطح منظورشناختی

راهبردهای منظورشناختی به انتخاب اطلاعات در متن مقصد مربوط می‌شوند. این راهبردها بیشتر از دو راهبرد دیگر باعث تغییر متن مبدأ و تغییر پیام می‌شوند (Chesterman, 2016, p. 105).

راهبرد تغییر میزان صراحت^{۱۶}: این راهبرد صراحت پیام را تغییر می‌دهد و مترجم به وسیله آن متن را بیشتر توضیح می‌دهد تا برای خواننده قابل درک باشد (Chesterman, 2016, p. 107). «ضرورت دارد کلمات، عبارات و جملات محذوفی که توسط مترجم به ترجمه افزوده می‌شوند در نشانه‌های نگارشی قلاب [] یا قلاب‌هلال [()] استفاده شوند» (قلی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۲۶۴) صفوی گروه فعلی «أَبَيَّنَ» در جمله «فَأَبَيَّنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا» را ابتدا با جمله «ولی آنها سرباززدند» ترجمه کرده است و سپس، فعل «امتناع کردند» را بدون کاربرد علامت نگارشی در پایان ترجمه بیان کرده است تا معنای فعل «أَبَيَّنَ» را برای مخاطب توضیح دهد؛ اما اگر چینش ترجمه تغییر داده شود، «ولی آن‌ها از اینکه آن بار سنگین

را بگیرند، سر باز زدند»، دیگر نیازی به تکرار مجدد فعل نیست و خواننده بدون تکرار آن، معنا را درک می‌کند. راهبردهای صفوی در ترجمه آیه ۷۲ سوره احزاب در جدول‌های زیر بیان شده‌اند:

جدول ۱. راهبردهای نحوی آیه ۷۲ سوره احزاب

تغییر مقوله دستوری	تغییر ساختار گروه	تبدیل واحد	واهم‌گیری	تحت‌اللفظی	راهبردهای نحوی
۱	۱	۱	۲	۱۲	ترجمه آیه ۷۲ سوره احزاب
ضعیف	ضعیف	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	کیفیت کاربرد

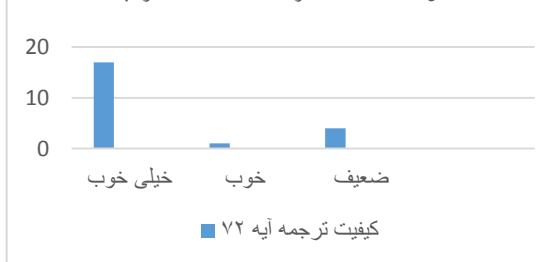
جدول ۲. راهبردهای معنایی آیه ۷۲ سوره احزاب

هم‌شمولی	هم‌معنایی	تغییر مجاز	تغییر تأکید	راهبردهای معنایی
۱	۱	۱	۱	ترجمه آیه ۷۲ سوره احزاب
خوب	ضعیف	بسیار خوب	بسیار خوب	کیفیت کاربرد

جدول ۳. راهبردهای منظورشناختی آیه ۷۲ سوره احزاب

تغییر میزان صراحت	راهبرد منظورشناختی
۱	ترجمه آیه ۷۲ سوره احزاب
ضعیف	کیفیت کاربرد

نمودار ۱: کیفیت ترجمه آیه ۷۲ / احزاب



با توجه به نمودار ۱، کیفیت ترجمه صفوی از آیه ۷۲ سوره احزاب بر اساس هنجار رابطه‌ای متوسط است. ۴-۱-۲- (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا) (نساء: ۵۸)

ترجمه صفوی: خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید.

۴-۱-۲-۱- سطح نحوی

راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی: در ترجمه «الله» و «یا امر» از راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی استفاده شده است. راهبرد تغییر مقوله دستوری: صفوی از این راهبرد در ترجمه کلمات زیر بهره برده است:

• صفوی ضمیر مفعولی «کُم» در فعل «يَأْمُرُكُمْ» را به صورت متمم «به شما» ترجمه کرده است تا ترجمه با ترتیب ساختار زبان فارسی مناسب و به دور از ابهام باشد. در زبان فارسی، بعضی از فعل‌ها علاوه بر نهاد به متمم نیاز دارند. این‌گونه فعل‌ها حرف اضافه مخصوص خود را دارند. برای مثال، بعضی از فعل‌ها با حرف اضافه «به» متمم اجباری می‌گیرند، یعنی اگر متمم بیان نشود، معنای جمله کامل نیست (بصیریان، ۱۳۹۰، صص ۹۷، ۱۶۶)؛ از این رو، صفوی در این آیه با تغییر نقش دستوری مفعول «کُم» به نقش متمم «به شما»، ترجمه را با دستور زبان مقصد متناسب کرده است.

فعل «أَمَرَ» همراه مفعول متصل مانند «أمرته» زمانی به کار برده می‌شود که کسی را مکلف به انجام کاری کنند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۰۰)؛ در این صورت، دیگر نیازی به مقوله دستوری در ترجمه نیست و می‌توان فعل جمله را این‌گونه ترجمه کرد: «خدا شما را مکلف می‌کند».

• «أَنْ تُؤَدُّوا» مصدر مؤول و نقش مفعول به «يَأْمُرُ» را دارد؛ البته، جایز است که مجرور به «باء» محذوف «بأن تؤدوا» متعلق به فعل «يَأْمُرُ» نیز باشد (الصافی، ۱۴۱۸ق،

۲-۱-۴-۲- سطح معنایی

راهبرد هم‌شمولی: صفوی در ترجمه واژه فراگیر «أهل» از واژه معناشمول «صاحبان» استفاده کرده است. بنا بر استعمال قرآن مجید و بیان اهل لغت، «أهل» در صورتی که میان یک عده افراد پیوندی جامع باشد، مانند پدر، شهر، کتاب، علم و غیره، به کار می‌رود؛ البته، باید میان جامع و آن افراد انس و الفتی باشد؛ در این صورت، کلمه «أهل» به آن جامع اضافه می‌شود، مانند «أهل الکتاب» (قرشی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۱۳۶). با این اوصاف، «أهل» در زبان عربی معنایی فراگیر نسبت به معنای «صاحبان» دارد؛ زیرا انس و الفتی که در «أهل الأمانات» موجود است در کلمه «صاحبان امانت‌ها» وجود ندارد؛ بنابراین، انتقال معنای دقیق واژه فراگیر در زبان عربی به زبان فارسی با وجود به‌کارگیری راهبرد هم‌شمولی تا حدودی مشکل است.

راهبرد تغییر تأکید: همان‌طور که اشاره شد، «إن» در زبان عربی پیش‌درآمدی بر کلام است و تأکید ندارد؛ از این رو، صفوی آن را در جمله «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ ...» ترجمه نکرده است. مترجمانی همچون فولادوند و خرمشاهی همانند صفوی «إن» را ترجمه نکرده‌اند و از تأکید جمله کاسته‌اند؛ اما انصاریان به تأکید و حصر موجود در جمله اسمیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ ...» توجه کرده است (التفتازانی، بی‌تا، ص ۶۳) و واژه «قاطعانه» را در ترجمه بیان کرده است. بهتر بود صفوی نیز همانند انصاریان واژه‌های تأکیدی مانند «حتماً، قطعاً و ...» را در ترجمه بیان می‌کرد تا معنای تأکیدی و انحصاری جمله یادشده را به زبان فارسی منتقل کند و هنجار رابطه‌ای در ترجمه لحاظ شود. راهبردهای صفوی در ترجمه آیه ۵۸ سوره نساء در جدول‌های زیر بیان شده‌اند:

ج ۵، ص ۶۸). این مصدر مؤول در ترجمه از حالت مصدری و اسمی خارج شده و به فعل «رد کنید» تغییر کرده است؛ زیرا یکی از راه‌های روان‌سازی ترجمه تبدیل ساختار اسمی «مصدر» به ساختار فعلی است (ناظمیان و خورشید، ۱۳۹۸ش، صص ۲۵۴-۲۵۵). با توجه به بافت جمله، تغییر مصدر مؤول در این آیه به فعل مناسب است و سبب روان‌سازی جمله می‌شود و صفوی تغییری مناسب را انجام داده است. خرمشاهی و فولادوند نیز در این آیه مصدر مؤول را به فعل‌های «بازگردانید/رد کنید» تغییر داده‌اند؛ زیرا بدون تغییر آن، جمله روان و قابل درک نیست.

راهبرد وام‌گیری: «الفاظی بسیار در قرآن آمده‌اند که در زبان فارسی امروزه معمول و متداول هستند». (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹ش، ص ۳۳۶). واژه امانت نیز از این دسته واژگان است و در زبان فارسی متداول و معمول است. در این آیه نیز ترجمه «الامانات» به «امانت‌ها» وام‌گیری از زبان مبدأ است و از آنجا که «کلماتی که از عربی به فارسی وارد شده‌اند بهتر است با فارسی جمع بسته شوند» (فقیهی، ۱۳۴۹ش، ص ۲۱)، صفوی آن را به صورت «امانت‌ها» ترجمه کرده است. خرمشاهی نیز همانند صفوی معادل «امانت‌ها» را در ترجمه به کار برده - است؛ ولی فولادوند معادل «سپرده‌ها» را برای آن برگزیده است که با توجه به بافت دینی واژه، وام‌گیری در ترجمه آن مناسب‌تر است.

راهبرد تغییر ساختار گروه: صفوی ضمیر «ها» را با وجود اینکه مفرد است و طبق قواعد نحوی به اسم جمع «الامانات» ارجاع می‌دهد، در قالب جمع ترجمه کرده است؛ بنابراین، با تغییر شمار ضمیر از مفرد به جمع، از راهبرد تغییر ساختار گروه استفاده کرده است (Chesterman, 2016, p. 94) تا ترجمه مطابق دستور زبان فارسی و برای خواننده ملموس باشد.

کیفر خدا که پروردگار اوست پروا کند.

۴-۱-۳-۱- سطح نحوی

راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی: واژه‌های «إِنْ أَمِنَ، فَ، لِيُؤْذَ، الَّذِي، لِي، يَتَّقِ، اللَّهُ» تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند.

راهبرد گرده‌برداری^{۱۷}: «گرته‌برداری عبارت است از ترجمه اجزاء یا کلماتی که یک ترکیب یا اصطلاح یا حتی جمله‌ای را در زبان بیگانه تشکیل می‌دهند» (آذرنوش، ۱۳۷۵ش، ص ۴۵). صفوی در ترجمه عبارت «بَعْضُكُمْ بَعْضًا» (یکی از شما دیگری را)، از راهبرد گرده‌برداری بهره برده است. عبارت «بَعْضُكُمْ بَعْضًا» در زبان عربی اصطلاحی ویژه به شمار می‌رود و مفهوم «یکدیگر/همدیگر» را در زبان عربی می‌رساند و ترجمه لفظ به لفظ آن در زبان فارسی یا هر زبانی دیگر نادرست است (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹ش، ص ۱۱۶). در این آیه، فعل «أَوْثَمَنَ» فعل مجهول از باب إِفْتَعَالِ [أَوْثَمَنَ] همراه فعل ثلاثی مجرد «أَمِنَ» بیان شده است؛ از این رو، فعل «أَوْثَمَنَ» در معنای مطاوعه به کار رفته است و اثر فعل ثلاثی مجرد «أَمِنَ» را پذیرفته است و این فعل میان دو نفر مشترک است (ذهنی تهرانی، ۱۳۶۳ش، صص ۱۵۴-۱۵۵). صفوی با توجه به این موضوع صرفی، عبارت «بَعْضُكُمْ بَعْضًا» (یکی از شما دیگری را) بر اساس راهبرد گرده‌برداری ترجمه کرده است تا وجود یک فعل و اشتراک آن را میان دو نفر بیان کند؛ بنابراین، صفوی در ترجمه این عبارت، ارتباط متن مبدأ و مقصد را در نظر گرفته است تا هنجار رابطه‌ای به طور صحیح شکل گیرد.

راهبرد تغییر مقوله دستوری: «اللَّهُ» در آیه نقش مفعول به دارد (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۹۳). صفوی در ترجمه آن را به گروه متممی «از حساب و کیفر خدا» تغییر داده است؛ زیرا فعل «پروا کند» در زبان فارسی به حرف اضافه «از» نیاز دارد.

راهبرد تبدیل واحد: «فاء فصیحه» در عبارت «فَلْيَنْ

جدول ۴. راهبردهای نحوی آیه ۵۸ سوره نساء

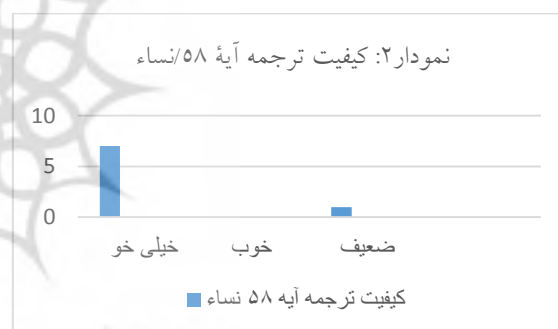
راهبردهای نحوی	تحت‌اللفظی	تغییر مقوله دستوری	وام-گیری	تغییر ساختار گروه
ترجمه آیه ۵۸ سوره نساء	۲	۲	۱	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب

جدول ۵. راهبردهای معنایی آیه ۵۸ سوره نساء

راهبردهای معنایی	هم‌شمولی	تغییر تأکید
ترجمه آیه ۵۸ سوره نساء	۱	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	ضعیف

جدول ۶. راهبرد منظورشناختی آیه ۵۸ سوره نساء

راهبرد منظورشناختی	ندارد
--------------------	-------



با توجه به نمودار ۲، کیفیت ترجمه صفوی از آیه ۵۸ سوره نساء در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و نحوی و به تبع آن، ایجاد هنجار رابطه‌ای بسیار خوب است.

۴-۱-۳- (فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤْذَ الَّذِي أَوْثَمَنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ) (بقره: ۲۸۳)

ترجمه صفوی: و اگر یکی از شما دیگری را امین دانست [و به وسیله قرض یا نسیه به شما بدهکار شد، نوشتن قرارداد و گرفتن شاهد ضروری نیست]، پس آن کسی که امین دانسته شده است باید بدهکاری خود را که در مورد آن او را امین دانسته‌اند، بپردازد و از حساب و

أَمِنْ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» (الصفافی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۹۳؛ الدرویش، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳۶) همان فاء عاطفه است؛ با این تفاوت که بر جمله معطوف وارد می‌شود و بیانگر این است که جمله معطوف علیه حذف شده است؛ بنابراین، ما در ترجمه این «فاء» نخست باید جمله محذوف را افصاح و بیان کنیم و سپس، جنبه عطف آن را در نظر بگیریم و برای ترجمه آن به فارسی از حرف «واو» استفاده کنیم. اگر این «فاء» توسط مترجم مستقیماً عاطفه ترجمه شود و اشاره‌ای به جمله محذوف نشود، در ترجمه اشتباه رخ می‌دهد» (متقی‌زاده و احمدی، ۱۳۹۵ش، صص ۱۹۲-۱۹۳).

صفوی در این آیه، علاوه بر اینکه «فاء» را با حرف عاطفه «واو» ترجمه کرده است، جمله معطوف علیه محذوف «[و به وسیله قرض یا نسیه به شما بدهکار شد، نوشتن قرارداد و گرفتن شاهد ضروری نیست]» را در پراکنش بیان کرده است که در مجموع این امر باعث شده است تا صفوی برای ترجمه آن از راهبرد تبدیل واحد استفاده کند، یعنی «حرف» در ترجمه به یک «جمله» تبدیل شده است. خرمشاهی نیز این «فاء» را به جمله کوتاه «و گرویی نگرفت» تبدیل کرده است که در مقایسه با جمله طولانی صفوی مناسب‌تر است؛ زیرا از اطناب متن جلوگیری می‌کند.

صفوی واژه «رَبَّةٌ» که در آیه نقش بدل دارد (الدرویش، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳۶) را به جمله «که پروردگار او است» تبدیل کرده است (بصیریان، ۱۳۹۰ش، ص ۳۱). فولادوند نیز با تبدیل واحد این واژه را به جمله «که پروردگار او است» ترجمه کرده است؛ اما خرمشاهی آن را تحت‌اللفظی، «پروردگارش»؛ ترجمه کرده است. تبدیلی که صفوی و فولادوند انجام داده‌اند، به نظر، برای روانی و درک متن مناسب‌تر است.

۴-۱-۳-۲- سطح معنایی

راهبرد هم‌شمولی: صفوی در آیه ۵۸ سوره نساء،

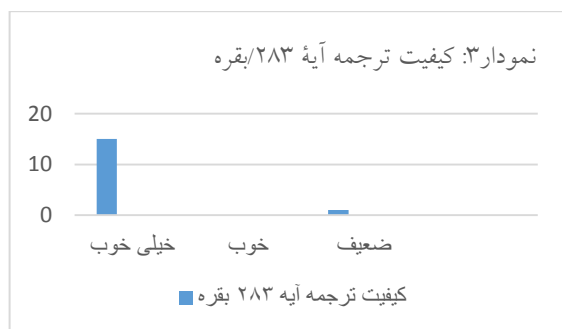
«أَمَانَات» را همان «امانت‌ها» ترجمه کرد؛ اما در این آیه «امانت» را بر اساس تفسیر آیه و آیه قبل «بدهکاری» ترجمه کرده است. منظور از امانت در این آیه دین و بدهی است که بدون رهن و گرو گرفته می‌شود (المصطفوی، ۱۳۹۳ش، ج ۱، ص ۱۶۵)؛ از این رو، واژه معناشمول «بدهکاری» را به جای واژه فراگیر «امانت» به کار برده است؛ دلیل این امر توجه مترجم به سیاق و بافت آیه است که مطابق آن ترجمه واژه «امانت» تغییر کرده است. فولادوند و خرمشاهی معادل این واژه را «سپرده و امانت» قرار داده‌اند و خرمشاهی برای اشاره به تفاوت این «امانت» با «امانت» در آیه‌های دیگر، کلمه «دین» را همراه آن به کار برده است. با توجه به این موضوع، معادلی که صفوی برای این واژه برگزیده است مناسب‌تر از معادل دو مترجم دیگر است؛ زیرا سبب ایجاد هنجار رابطه‌ای میان متن مبدأ و مقصد شده است و او معادل اصلی واژه را به‌درستی انتخاب کرده است.

۴-۱-۳-۳- سطح منظورشناختی

راهبرد تغییر میزان صراحت: صفوی جمله «فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِيَ مِمَّنْ أَمَانَتَهُ» را با دو ترجمه متفاوت از فعل «اوتمن» برای خواننده توضیح می‌دهد. صفوی می‌توانست فعل «اوتمن» را یک بار ترجمه کند و عبارت (که در مورد آن او را امین دانسته‌اند) را دیگر برای توضیح بیان نکند؛ زیرا «ایجاز متن در روان‌سازی آن اثر دارد. هرچه واژه‌های یک جمله کمتر باشند، مخاطب آن را بهتر و سریع‌تر درک می‌کند و زمان کمتر را برای فهم جمله صرف می‌کند» (بدیعی و قندی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۴۸).

واژه «حساب و کیفر» را صفوی برای توضیح «وَلْيُؤَدِّ اللَّهَ» به ترجمه افزوده است تا صراحت متن را افزایش دهد. دو واژه افزوده شده بدون علائم نگارشی به کار رفته‌اند.

تغییر اطلاعات^{۱۸}: این راهبرد به معنای حذف یا اضافه کردن اطلاعات به پیام است. مترجم اطلاعاتی را که



با توجه به نمودار ۳، کیفیت ترجمه صفوی از آیه ۲۸۳
سوره بقره در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و نحوی
و به تبع آن، ایجاد هنجار رابطه‌ای بسیار خوب است.

۴-۲- تقوا

شرباصی آیاتی بسیار را در کتاب خود ذیل عنوان تقوا
بیان کرده است (شرباصی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۲۱۳-
۲۰۲). در این پژوهش، ترجمه آیات ۲۹ سوره انفال، ۲۰۱
سوره اعراف و ۱۳ سوره حجرات بر اساس هنجار رابطه‌ای
چسترمن نقد و بررسی شده است:

۴-۲-۱- (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ
فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ) (انفال: ۲۹)

ترجمه صفوی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از
خدا پروا کنید، برای شما نیرویی قرار می‌دهد که به وسیله
آن حق را از باطل تشخیص دهید، و بدی هایتان را از شما
می‌زداید و گناهانتان را می‌آمرزد، و خدا دارای فضلی
بزرگ است.

۴-۲-۱-۱- سطح نحوی

راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، إِن،
تَتَّقُوا، يَجْعَلْ، لَكُمْ، عَنْكُمْ، وَ، اللَّهُ، ذُو، الْعَظِيمِ» تحت‌اللفظی
ترجمه شده‌اند.

راهبرد وام‌گیری: واژه «الفضل» اسم عربی است که به

برای خواننده مهم است و نمی‌تواند آن‌ها را از متن درک
کند به ترجمه می‌افزاید یا گاهی اطلاعاتی از پیام را حذف
می‌کند (Chesterman, 2016, p. 110). صفوی با
اضافه کردن جمله «و به وسیله قرض یا نسیه به شما
بدهکار شد، نوشتن قرارداد و گرفتن شاهد ضروری
نیست»، اطلاعاتی را که خوانندگان از ترجمه نمی‌توانند
استنباط کنند بر اساس تفسیر المیزان به ترجمه افزوده
است. او این جملات را درون پرانتز بیان کرده است. «قرار
دادن جملات اضافه درون پرانتز خواننده را آگاه می‌کند
که کدام کلمه برگردان مستقیم از متن قرآن کریم است؛
البته، نباید توضیحات اضافه‌شده قسمت‌های دیگر آیه را
بی‌معنا کند و اگر تمام توضیحات را از ترجمه فارسی
حذف کنیم، ساختمان جمله به هم نخورد و معنای کامل
داشته باشد» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۵۲).

راهبردهای صفوی در ترجمه آیه ۲۸۳ سوره بقره در
جدول‌ها و نمودار زیر بیان شده‌اند:

جدول ۷. راهبردهای نحوی آیه ۲۸۳ سوره بقره

راهبردهای نحوی	تحت‌اللفظی	تغییر مقوله دستوری	گرته- برداری	تبدیل واحد
ترجمه آیه ۲۸۳ سوره بقره	۸	۱	۱	۲
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب

جدول ۸. راهبردهای معنایی آیه ۲۸۳ سوره بقره

راهبردهای معنایی	هم‌شمولی
ترجمه آیه ۲۸۳ سوره بقره	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب

جدول ۹. راهبرد منظورشناختی آیه ۲۸۳ سوره بقره

راهبرد منظورشناختی	تغییر میزان صراحت	تغییر اطلاعات
ترجمه آیه ۲۸۳ سوره بقره	۲	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب ضعیف	بسیار خوب

زبان فارسی وارد شده است و دارای معادل‌هایی همچون احسان، بخشش، فزونی و برتری است (دهخدا و دیگران، ۱۳۹۰ش-۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۱۲۶). صفوی در ترجمه این واژه را از زبان عربی وام گرفته است؛ زیرا از یک سو، در زبان فارسی کاربرد دارد و از سوی دیگر، در زبان عربی معنایی فراگیر دارد. «واژه «الفضل» از اوصاف خداوند است که به بخشش زیاد او اشاره دارد و از مصادیق آن رحمت، پاداش بزرگ، عفو و گذشت و رضوان است» (المصطفوی، ۱۳۹۳ش، ج ۹، ص ۱۱۶).

راهبرد تغییر مقوله دستوری: واژه «اللّه» در جمله «إِن تَتَّقُوا اللَّهَ» نقش مفعول‌به دارد (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۲۰۶). صفوی معادل «پروا کنید» را برای فعل «تَتَّقُوا» انتخاب کرده است که این معادل در زبان فارسی به حرف اضافه اجباری «از» نیاز دارد تا معنای آن کامل شود (بصیریان، ۱۳۹۰ش، صص ۹۷، ۱۶۶)؛ از این رو، صفوی به وسیله راهبرد تغییر مقوله دستوری واژه «اللّه» را از نقش مفعولی به نقش متممی تغییر داده است تا جمله با زبان معیار فارسی منطبق و هنجار رابطه‌ای میان زبان مبدأ و مقصد ایجاد شود. تغییر مقوله دستوری در واژه «اللّه» موجب شده است تا تبدیل واحد نیز در ترجمه ایجاد و واژه «اللّه» به گروه متممی «از خدا» تبدیل شود.

راهبرد تبدیل واحد: واژه «فرقانا» برای جدایی میان حق و باطل به کار می‌رود و در آیه بالا به توفیق و نوری اشاره دارد که با تقوای خداوند حاصل می‌شود و به وسیله آن میان حق و باطل فرق گذاشته می‌شود و تمام آن نور و توفیق و آرامش و رحمت از واژه «فرقان» فهمیده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۵۰). این واژه در آیه نقش مفعول‌به برای فعل «یجعل» دارد (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۲۰۶). صفوی به مفهوم واژه «فرقان» توجه کرده - است؛ از این رو، در ترجمه این واژه به جمله‌واره (پیرو) «نیروی که به وسیله آن حق را از باطل تشخیص دهید» تبدیل شده است؛ زیرا به واسطه حرف پیوند «که» به جمله اصلی «برای شما قرار می‌دهد» وابسته شده و یک

جمله مرکب را تشکیل داده است (بصیریان، ۱۳۹۰ق، ص ۱۷۸). این تبدیل واحد بر میزان صراحت متن در سطح منظورشناختی نیز تأثیر دارد؛ زیرا واژه را برای خواننده توضیح می‌دهد.

راهبرد تغییر ساختار گروه: تغییر در گروه اسمی، برای مثال مفرد به جمع یا برعکس یا تغییر نکره به معرفه و برعکس، سبب تغییر در ساختار درونی گروه می‌شود (Chesterman, 2016, p. 96). واژه «الفضل» در آیه همراه «ال» معرفه بیان شده است و معرفه است؛ اما صفوی با اضافه کردن «ی ناشناس» به ترجمه «الفضل» در ساختار گروه آن تغییر ایجاد کرده است و آن را از معرفه به نکره تبدیل کرده است. به نظر، دلیل تغییری که او اعمال کرده است این است که او «ال» در واژه «الفضل» را از نوع معرفه لفظی لحاظ کرده است که معنای نکره دارد و به مطلق حقیقت و فضل خداوند اشاره دارد (السامرائی، ۲۰۰۰م، ج ۱، ص ۱۱۶). مترجمانی مانند فولادوند و خرمشاهی از معادل «بخشش» به صورت معرفه در ترجمه استفاده کرده‌اند. با توجه به نکته معنایی در این واژه، به نظر، ترجمه صفوی مناسب‌تر است.

۲-۱-۲-۴- سطح معنایی

راهبرد هم‌شمولی: صفوی معادل گروه فعلی «يُكْفِّرُ عَنْكُمْ» را «از شما می‌زداید» بیان کرده است. اصل فعل «كَفَرَ» عبارت است از: «أَنَّ الْأَصْلَ فِي مَادَّةِ «كُفِرَ» هُوَ الرَّذُّ وَ عَدَمُ الْأَعْتِنَاءِ بِشَيْءٍ وَ مِنْ آثَارِهِ: التَّبَرُّي، المحو وَ التَّغْطِيَةُ وَ كَفَرَ اللَّهُ عَنْهُ الذَّنْبُ: مَحَاة» (المصطفوی، ۱۳۹۳ش، ج ۱۰، ص ۸۷). اصل معنای فعل بی‌اعتنایی به چیزی و رد شدن از آن است که نتیجه آن بیزار شدن، زدودن و پوشاندن است و خداوند با گذشت از گناهان انسان آن‌ها را محو و نابود می‌کند؛ بنابراین، فعل «يُكْفِّرُ» معنایی فراگیر دارد و معادل «می‌زداید» معناشمول است؛ زیرا فقط بخشی از معنای آن را منتقل کرده است.

صفوی معادل واژه «سَيِّئَاتِكُمْ» را معناشمول

جدول ۱۰. راهبردهای نحوی آیه ۲۹ سورة انفال

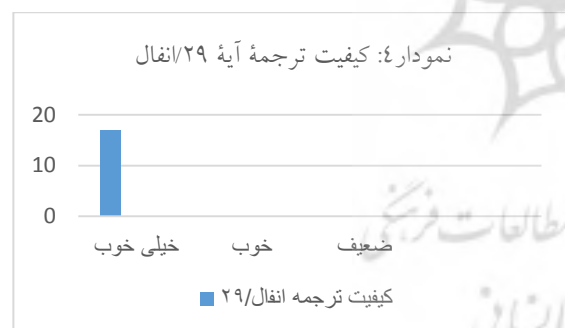
راهبردهای نحوی	تحت‌اللفظی	تغییر مقوله دستوری	تبدیل واحد	تغییر ساختارگروه	وام-گیری
ترجمه آیه ۲۹ سورة انفال	۱۲	۱	۱	۱	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب

جدول ۱۱. راهبردهای معنایی آیه ۲۹ سورة انفال

راهبردهای معنایی	هم‌شمولی
ترجمه آیه ۲۹ سورة انفال	۲
کیفیت ترجمه	بسیار خوب

جدول ۱۲. راهبرد منظورشناختی آیه ۲۹ سورة انفال

راهبرد منظورشناختی	تغییر میزان صراحت
ترجمه آیه ۲۹ سورة انفال	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب



با توجه به نمودار ۴، کیفیت ترجمه صفوی از آیه ۲۹ سورة انفال در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و نحوی و به تبع آن، ایجاد هنجار رابطه‌ای بسیار خوب است.

۲-۲-۴- (إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ) (اعراف: ۲۰۱)

ترجمه صفوی: کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، هنگامی که وسوسه‌ای از شیطان به آنان می‌رسد و بر گرد قلبشان

«بدی‌هایتان» قرار داده است. «سیئه» میان خدا و بندگان او است و بنده در انجام آن قصد و عمدی نداشته است (العسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۱)؛ بنابراین، خداوند با انجام حسنات، سیئات را تکفیر می‌کند و می‌پوشاند (همان، ص ۵۸۳)؛ اما «ذنب» عمدی است و مذمت و سرزنش به دنبال دارد و انجام‌دهنده آن مستحق عقاب و عذاب است (همان، ص ۵۰۳). فعل «کَفَر، یُکْفِر» همراه «سیئه/ سیئات» و فعل «غفر، یغفر» همراه «الذنب و الذنوب» در قرآن به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۱۱۰). در این آیه «سیئات» مفعول به فعل «یُکْفِرُ عَنْکُمْ» است؛ بنابراین، مفهومی غیر از «الذنب» دارد و معادل «گناهانتان» برای آن مناسب نیست. صفوی به این تفاوت معنایی توجه کرده و معادل آن را «بدی‌هایتان» در نظر گرفته است. فولادوند معادل این واژه را «گناهانتان» قرار داده است و خرّم‌شاهی به وسیله راهبرد وام‌گیری معادل آن را «سیئات» بیان کرده است. با توجه به تفاوت معنایی «سیئه» و «ذنب»، معادل معناشمول «بدی‌هایتان» برای این واژه مناسب‌تر است.

۳-۱-۲-۴- سطح منظورشناختی

راهبرد تغییر میزان صراحت: صفوی در ترجمه جمله «وَيَغْفِرُ لَكُمْ» واژه «گناهانتان» را بدون استفاده از نشانه نگارشی قلاب در نقش مفعول به به ترجمه افزوده است؛ به نظر، دلیل این امر این است که «فعل» «یغفر» همیشه همراه «الذنب /الذنوب» بیان می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۱۱۰). اضافه کردن مفعول به محذوف به ترجمه ابهام جمله را برطرف و منظور فعل «یغفر» را برای خواننده روشن می‌کند. دیگر مترجمان جمله را بدون اضافه کردن مفعول به ترجمه کرده‌اند؛ بنابراین، صفوی با استفاده از راهبرد تغییر میزان صراحت متن ترجمه آیه را برای خواننده قابل درک کرده است.

راهبردهای صفوی در ترجمه آیه ۲۹ سورة انفال در جدول‌های زیر بیان شده‌اند:

می‌گردد تا در آن جای گیرد، خدا را به یاد می‌آورند و کار خود را به او وامی‌گذارند و او پرده غفلت را از آنان می‌زداید و ناگهان بینا می‌شوند.

۱-۲-۲-۴- سطح نحوی

راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی: «الَّذِينَ اتَّقَوْا، إِذَا، تَذَكَّرُوا، فَإِذَا» تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند.

راهبرد تغییر مقوله دستوری: ضمیر «هَم» در فعل «مَسَّهُمْ» مفعول به است که صفوی با کاربرد راهبرد مقوله دستوری آن را به گروه متممی «به آنان» تبدیل کرده است؛ زیرا معادلی که برای فعل «مَسَّ» یعنی «می‌رسد» به کار برده است در زبان فارسی همراه حرف اضافه «به» استعمال می‌شود و صفوی برای تطبیق ترجمه با زبان معیار از این راهبرد بهره برده است.

راهبرد تغییر ساختار گروه: یکی از تغییراتی که مترجم اعمال می‌کند تغییر در زمان افعال در گروه‌های فعلی است (Chesterman, 2016, p. 97). «إِذَا» ظرف برای آینده و متضمن معنای شرط و فعل ماضی «مَسَّ» فعل شرط است (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۱۶۰). هرگاه جمله شرطی «إِذَا» همراه فعل ماضی بیان شود، یعنی آن امر به وقوع می‌پیوندد و حتمی است (السامرائی، ۲۰۰۰م، ج ۴، صص ۷۶-۷۷). صفوی با توجه به شرطی بودن جمله «إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا»، افعال ماضی آن را به مضارع اخباری «می‌رسد/به یاد می‌آورند» تبدیل کرده است و ساختار گروه فعلی را تغییر داده است؛ زیرا این جمله شرطی معنای مستقبل دارد؛ در این صورت، معادل آن در زبان فارسی مضارع اخباری و التزامی است (آرکادیویچ روبینچیک و شفقی، ۱۳۹۱ش، ص ۶۶۵). صفوی با کاربرد این راهبرد ارتباط میان زبان مبدأ و مقصد را ایجاد کرده است.

راهبرد تغییر ساختار جمله^{۱۹}: این راهبرد روی ساختار جمله تأثیر می‌گذارد و سبب تغییر جمله می‌شود

(Chesterman, 2016, p. 100). جمله «هَم مُبْصِرُونَ» در آیه یک جمله اسمیه است (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۱۶۰)؛ اما صفوی با استفاده از راهبرد تغییر جمله آن را از حالت اسنادی خارج و به صورت گروه فعلی «بینا می‌شوند» ترجمه کرده است. واژه «مُبْصِرُونَ» اسم فاعل و جمع مذکر سالم و نکره است (سایت جامع قرآنی)؛ اما «بینا می‌شوند» معادل فعل مجهول «يُبْصِرُونَ» است. برخی از مترجمان همانند صفوی جمله را به صورت فعل مجهول «آگاه می‌شوند، بینا شوند و ...» ترجمه کرده‌اند و برخی دیگر آن را به صورت معلوم «به بصیرت درآیند، بینا می‌شوند، بصیرت می‌یابند، بینایی پیدا می‌کنند و ...» ترجمه کرده‌اند که با توجه به مفهوم صرفی جمله، حالت دوم برای ترجمه مناسب‌تر است.

۲-۲-۲-۴- سطح معنایی

راهبرد هم‌شمولی: واژه «مَسَّ» (لمس کردن) علاوه بر دست با سنگ و چیزهای دیگر هم رخ می‌دهد؛ از این رو، در «مَسَّ» ارتباط بدون احساس وجود دارد. واژه «مَسَّ» در این آیه مجاز از «أَصَابَهُ» است (العسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۸). با توجه به این توضیح، صفوی در ترجمه این واژه معنای مجازی آن را در نظر گرفته است و واژه معناشمول «می‌رسد» را معادل آن بیان کرده است. دیگر مترجمان نیز معنای مجازی «رسد، عارضشان شود» را معادل این فعل بیان کرده‌اند.

راهبرد تغییر مجاز: واژه «طَائِفٌ» در لغت به معنای «طواف‌کننده» است و در این آیه منظور وسوسه شیطان است و به خیال و جن و حادثه به طور استعاره طائف می‌گویند. وسوسه شیطانی دور انسان در عالم خیال می‌گردد تا اغفالش کند (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۲۵۰). به عبارت دیگر، «طَائِفٌ» در آیه استعاره از وسوسه شیطان است. صفوی با استفاده از راهبرد تغییر مجاز «وسوسه شیطان» که مشبه است را به ترجمه اضافه کرده است تا

راهبردهای صفوی در ترجمه آیه ۲۰۱ سوره اعراف به طور مختصر در جدول‌های زیر بیان شده‌اند:

جدول ۱۳. راهبردهای نحوی آیه ۲۰۱ سوره اعراف

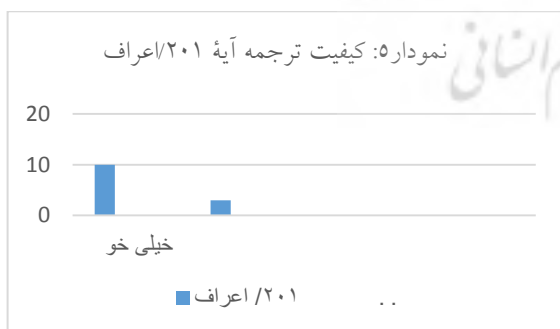
راهبردهای نحوی	تحت‌اللفظی	تغییر مقوله دستوری	تغییر ساختار گروه	تغییر ساختار جمله
ترجمه آیه ۲۰۱ سوره اعراف	۵	۱	۱	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	خوب

جدول ۱۴. راهبردهای معنایی آیه ۲۰۱ سوره اعراف

راهبردهای معنایی	هم‌شمولی	تغییر مجاز
ترجمه آیه ۲۰۱ سوره اعراف	۱	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	بسیار خوب

جدول ۱۵. راهبردهای منظورشناختی آیه ۲۰۱ سوره اعراف

راهبردهای منظورشناختی	تغییر میزان صراحت	تغییر اطلاعات
ترجمه آیه ۲۰۱ سوره اعراف	۱	۲
کیفیت ترجمه	خوب	خوب



با توجه به نمودار ۵، کیفیت ترجمه صفوی از آیه ۲۰۱ سوره اعراف در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و نحوی و به تبع آن، ایجاد هنجار رابطه‌ای بسیار خوب

استعاره موجود در آیه به جمله بدون استعاره در ترجمه تبدیل و مفهوم آیه برای همه خوانندگان قابل درک شود.

۳-۲-۴- سطح منظورشناختی

راهبرد تغییر میزان صراحت: مفعول جمله «تَذَكَّرُوا» در آیه محذوف است و صفوی واژه محذوف «خدا را» به ترجمه افزوده است تا مفعول جمله برای خواننده صریح باشد و خواننده دچار ابهام نشود. فولادوند و خرمشاهی برای تصریح واژه «خدا» را درون پرانتز به ترجمه افزوده‌اند، اما صفوی این نکته نگارشی را رعایت نکرده است.

راهبرد تغییر اطلاعات: معادل جمله «إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ» جمله «وسوسه‌ای از شیطان به آنان می‌رسد» است؛ اما صفوی جمله «و بر گرد قلبشان می‌گردد تا در آن جای گیرد» را بر اساس تفسیر المیزان «وسوسه‌ای است که در حول قلب می‌چرخد تا راهی به قلب باز کرده وارد شود» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۹۸) به ترجمه اضافه کرده است تا پیامی که از ترجمه جمله اصلی درک نشده است به وسیله اطلاعات افزوده شده درک شود؛ اما صفوی کلمات و جملات اضافه‌شده را در نشانه نگارشی قلاب قرار نداده است تا خواننده متن اصلی را از متن اضافه‌شده تشخیص دهد.

معادل جمله «تَذَكَّرُوا» جمله «به یادمی‌آورند» است. صفوی با توجه به تفسیر المیزان، جمله «و کار خود را به او وامی‌گذارند و او پرده غفلت را از آنان می‌زداید» را به ترجمه اضافه کرده است تا خواننده منظور از «به یاد می‌آورند» را بهتر درک کند. ترجمه صفوی در مقایسه با ترجمه فولادوند و خرمشاهی به دلیل کاربرد اطلاعات اضافه و تفسیری برای فهم پیام آیه اخلاقی مناسب‌تر است؛ اما تنها مشکل، عدم کاربرد علائم نگارشی است که باعث می‌شود متن اصلی از کلمات و جملات اضافه‌شده قابل تشخیص نباشد.

است.

به صورت «مصدر تقوی یعنی پرهیزگاری کاربرد دارد»

(دهخدا و دیگران، ۱۳۹۰ش-۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۷۶۶).

صفوی این واژه را به وسیله راهبرد وام‌گیری «باتقواترین» ترجمه کرده است؛ اما خرمشاهی و فولادوند معادل این واژه را «پرهیزگارترین» بیان کرده‌اند. واژه تقوا در زبان عربی بافت دینی و معنای فراگیری دارد؛ از این رو، ترجمه آن به وسیله راهبرد وام‌گیری مناسب‌تر است.

راهبرد تغییر مقوله دستوری: فعل «لِتَعَارَفُوا» مضارع منصوب «أَنْ تَعَارَفُوا» مصدر مؤول مجرور به حرف «ل» متعلق به فعل «جَعَلْنَاكُمْ» است (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۲۹۲). صفوی به وسیله راهبرد تغییر مقوله دستوری آن را از نقش جارومجروری و اسمی به صورت گروه فعلی «تا یکدیگر را بشناسید» ترجمه کرده است. همان‌طور که بیان شد، تبدیل ساختار اسمی «مصدر» به ساختار فعلی از راه‌های روان‌سازی ترجمه است و این تبدیل سبب می‌شود تا ترجمه مطابق زبان معیار شود. دیگر مترجمان نیز این مصدر را با تبدیل به فعل ترجمه کرده‌اند.

راهبرد تبدیل واحد: صفوی واژه «شُعُوبًا» را با استفاده از راهبرد تبدیل واحد و اضافه کردن صفت «گوناگون» به گروه وصفی «تیره‌های گوناگون» و واژه «قَبَائِلَ» را با اضافه کردن صفت «مختلف» به گروه وصفی «قبیله‌های مختلف» تبدیل کرده است. علاوه بر صفوی، فولادوند در ترجمه این دو واژه از راهبرد تبدیل واحد بهره برده است و معادل آن‌ها را «ملت ملت و قبیله قبیله» قرار داده است تا کثرت و تعدد قبیله‌ها و گونه‌ها بیان شود. کاربرد این راهبرد در سطح نحوی سبب تغییر در سطح منظورشناختی ترجمه نیز می‌شود؛ زیرا میزان صراحت متن با توصیف واژگان تغییر داده می‌شود و خواننده مفهوم تعدد و گوناگونی در خلقت خداوند را درک می‌کند.

۲-۳-۴- سطح معنایی

راهبرد تغییر تأکید: همان‌طور که بیان شد، «إِنْ» در

۳-۲-۴- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳)

ترجمه صفوی: ای مردم، ما شما را از یک مرد و یک زن (آدم و حوا) آفریدیم؛ بنابراین هیچ تیره و قبیله‌ای در آفرینش بر دیگری برتری ندارد؛ ما شما را به صورت تیره‌های گوناگون و قبیله‌های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید نه آنکه به نژادپرستی روی آورید و به نژاد و تیره خود افتخار کنید و هر ملتی خود را از دیگر ملّت‌ها گرامی‌تر بداند؛ به یقین گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شما است. خدا است که معیار برتری انسان‌ها را معین می‌کند، چرا که او به حقایق امور دانا و آگاه است.

۱-۳-۲-۴- سطح نحوی

راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، خَلَقْنَاكُمْ، مَنْ، ذَكَرٍ، أُنْثَىٰ، جَعَلْنَاكُمْ، لِتَعَارَفُوا، أَكْرَمَ، كُمْ، عِنْدَ، اللَّهِ، أَتْقَاكُمْ، كُمْ، عَلِيمٌ، خَبِيرٌ» تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند.

راهبرد وام‌گیری: «قَبَائِلَ» جمع «قبیله» اسم جمع است که لفظ آن مفرد ندارد (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۲۹۲). اسم عربی است به معنای «گروه‌ها، قبیله‌ها، دودمان‌ها» (دهخدا و دیگران، ۱۳۹۰ش-۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۱۶۴). صفوی واژه «قَبَائِلَ» را با استفاده از راهبرد وام‌گیری «قبیله‌ها» ترجمه کرده است. دیگر مترجمان نیز در ترجمه این واژه از راهبرد وام‌گیری بهره برده‌اند که بیانگر این است که بعضی از واژگان عربی در زبان فارسی متداول و رایج هستند و مفهوم آن‌ها برای خوانندگان قابل درک است.

-واژه «أَتْقَاكُمْ» اسم تفضیل از فعل ثلاثی «وقی» است (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۲۹۲) که در زبان فارسی نیز

سرآغاز سخن است و معمولاً ترجمه نمی‌شود؛ اما در این آیه با توجه به ساختار جمله اسمیه «أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ» و کاربرد دو اسم تفضیل و تکرار ضمیر «كُم» (همان) صفوی با استفاده از راهبرد تغییر تأکید «إِنَّ» را «به یقین» ترجمه کرده است و در جمله «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» با توجه به ساختار تأکیدی جمله اسمیه، «إِنَّ» را «چرا که» ترجمه کرده است. فولادوند و خرمشاهی نیز از راهبرد تغییر تأکید در ترجمه خود بهره برده‌اند و معادل‌هایی همچون «درحقیقت، بی‌تردید، یقیناً» را برای ترجمه دو «إِنَّ» بیان کرده‌اند.

۳-۲-۴- سطح منظورشناختی

راهبرد تغییر میزان صراحت: صفوی در ترجمه «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» با افزودن گروه اسمی «به حقایق امور»، دو واژه «عَلِيمٌ خَبِيرٌ» را برای مخاطب توضیح داده است و به صراحت ترجمه افزوده است.

راهبرد تغییر اطلاعات: صفوی بر اساس تفسیر المیزان، اطلاعاتی را که خواننده نمی‌تواند از متن استنباط کند به ترجمه این آیه افزوده است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۸، صص ۴۸۷-۴۸۹). این اطلاعات عبارت‌اند از:

- افزودن واژه‌های «آدم و حوا» در کنار ترجمه دو واژه «مَنْ ذَكَرَ وَأُنْثَى»؛ زیرا اطلاعاتی هستند که از متن آیه قابل درک نیستند.

- افزودن جمله «؛ بنابراین هیچ تیره و قبیله‌ای در آفرینش بر دیگری برتری ندارد» پس از ترجمه جمله «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى». با وجود اینکه جمله اضافه‌شده درون نشانه «؛» قرار دارد، سبب اطالة ترجمه شده است و میان دو جمله «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ» فاصله افزایش یافته است. خواننده با ترجمه دو جمله منظور آیه را درک می‌کند و افزودن اطلاعات در این جمله لزومی ندارد.

- افزودن جمله «نه آنکه به نژادپرستی روی آورید و

به نژاد و تیره خود افتخار کنید و هر ملتی خود را از دیگر ملّت‌ها گرامی‌تر بداند» به ترجمه جمله «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا». علاوه بر اینکه جمله اضافه‌شده در نشانه نگارشی به کار نرفته است، طولانی نیز هست و برای انتقال پیام آیه فقط یک بخش از آن برای خواننده کفایت می‌کند.

-افزودن جمله «خدا است که معیار برتری انسان‌ها را معین می‌کند»، به ترجمه جمله «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». این جمله نیز بدون علائم نگارشی افزوده شده است. دو جمله از جملات افزوده‌شده سبب طولانی شدن ترجمه و فاصله افتادن میان جملات اصلی شده‌اند؛ علاوه بر اینکه ابهام و نارسایی ایجادشده زمانی بیشتر را از مخاطب می‌گیرد و باعث خستگی او می‌شود (ناظمیان، ۱۳۹۰ش). با توجه به فراوانی جملات افزوده‌شده بدون علائم نگارشی، ترجمه برای انتقال پیام آیه تاحدودی نامناسب است. مترجم با انتخاب جملات کوتاه و مختصر هم می‌توانست اطلاعات را به ترجمه بیفزاید.

راهبردهای صفوی در ترجمه آیه ۱۳ سوره حجرات در جدول‌های زیر به طور مختصر بیان شده‌اند:

جدول ۱۶. راهبردهای نحوی آیه ۱۳ سوره حجرات

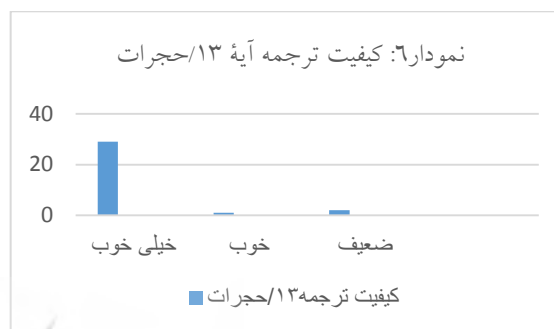
تبدیل واحد	وام‌گیری	تغییر مقوله - دستوری	تحت‌اللفظی	راهبردهای نحوی
۲	۲	۱	۱۸	ترجمه آیه ۱۳ سوره حجرات
بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	کیفیت ترجمه

جدول ۱۷. راهبردهای معنایی آیه ۱۳ سوره حجرات

تغییر تأکید	راهبردهای معنایی
۲	ترجمه آیه ۱۳ سوره حجرات
بسیار خوب	کیفیت ترجمه

جدول ۱۸. راهبردهای منظورشناختی آیه ۱۳ سوره حجرات

راهبردهای منظورشناختی	تغییر میزان صراحت	تغییر اطلاعات
ترجمه آیه ۱۳ سوره حجرات	۱	۴
کیفیت ترجمه	خوب	بسیار خوب خوب ضعیف



تفسیری آیات را در نظر گرفته است و از سوی دیگر، معادلی را در زبان مقصد برگزیده است که با معیار زبان فارسی منطبق است. اطلاعاتی که او به ترجمه آیات بر اساس تفسیر المیزان برای انتقال پیام اخلاقی افزوده است این ترجمه را مناسب کاربرد همراه آیات اخلاقی کرده است، البته ترجمه او کاستی‌هایی در کاربرد علامت نگارشی قلاب برای موارد افزوده شده دارد.

پرکاربردترین راهبردها در ترجمه ۶ آیه با موضوع تقوا و امانت، در سطح نحوی بعد از راهبرد تحت‌اللفظی، راهبردهای تغییر مقوله دستوری، تبدیل واحد و وام‌گیری و در سطح معنایی راهبرد هم‌شمولی و در سطح منظورشناختی راهبرد تغییر اطلاعات هستند.

تعارض منافع

نویسندگان این پژوهش تعارض منافی ندارند.

کتابنامه

قرآن کریم.

آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۵ش). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی (جلد ۱، ترجمه‌های قرآنی). تهران، سروش.
آرکادیویچ روبینچیک، یوری. و شفقی، مریم. (۱۳۹۱ش). دستور زبان ادبی معاصر فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
احمدی، محمدنبی. و بابایی، یحیی. (۱۴۰۱ش). نقد ترجمه بخش‌هایی از رمان «سیدات القمر» با تأکید بر تکنیک‌های هفت‌گانه. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۲ (۲۶)، ۲۱۷ - ۲۴۴.

اصغرپور، سیامک. (۱۳۹۷ش). نقد بلاغی و ادبی ترجمه (مطالعه موردی: سوره فاطر ترجمه محمدرضا صفوی بر اساس نظریه یوجین نایدل) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان].

التفتازانی، مسعود بن عمر. (بی‌تا). مختصر المعانی. قم: دارالفکر.

با توجه به نمودار ۶، کیفیت ترجمه صفوی از آیه ۱۳ سوره حجرات در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و نحوی بسیار خوب است.

۵- نتیجه‌گیری

صفوی در ترجمه ۶ آیه اخلاقی با موضوع امانت و تقوا، برای ایجاد هنجار رابطه‌ای در سطح نحوی راهبردهای تحت‌اللفظی، تغییر مقوله دستوری، تبدیل واحد، وام‌گیری، تغییر ساختار گروه و تغییر ساختار جمله را به کار برده است و در سطح معنایی راهبردهای هم‌شمولی، هم‌معنایی، تغییر مجاز و تغییر تأکید را استفاده کرده است و در سطح منظورشناختی راهبردهای تغییر میزان صراحت و تغییر اطلاعات را به کار برده است. کیفیت ترجمه صفوی در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و منظورشناختی برای ایجاد هنجار رابطه‌ای میان زبان مبدأ و مقصد در پنج آیه بسیار خوب و در یک آیه متوسط است. او توانسته است راهبردهای یادشده را منطبق با صرف و نحو زبان مبدأ و مقصد به کار گیرد؛ یعنی از یک سو، نکات صرفی، نحوی و معنایی و

غلامرضا خسروی حسینی، مترجم و پژوهشگر). تهران: ناشر مرتضوی.

ربانی، محمد حسن (۱۳۹۲ش) *واژه‌شناسی قرآن*. مشهد: ناشر نور معارف.

رضایی، ملیحه. (۱۳۹۸ش). *بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم برای نوجوانان در چارچوب نظریه هدفمندی: موردپژوهی جزء سی* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد].

سایت جامع قرآنی: <https://quran.inoor.ir/>
شراباصی، احمد. (۱۴۰۷ق). *موسوعه اخلاق القرآن* ۶ جلد. بیروت - لبنان: دار الراءد العربی.

صفوی، محمدرضا. (۱۳۸۸ش). *ترجمه قرآن کریم*. قم: دفتر نشر معارف.

طباطبایی، محمد حسین. (بی‌تا). *ترجمه تفسیر المیزان* (۴۰ جلد). انتشارات اسماعیلیان.

عنانی، محمد. (۲۰۰۳م). *نظریه ترجمه الحدیث مدخل الی مبحث دراسات الترجمة*. مصر: لونیجمان، الطبعة الأولى.

فقیهی، علی اصغر. (۱۳۴۹ش). *دستور زبان فارسی* (جلد؛ چاپ دوم). قم: چاپ حکمت.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱-۱۳۷۲ش). *قاموس قرآن* (۷ جلد). تهران: دارالکتب الإسلامیة.

قلی‌زاده، حیدر. (۱۳۸۰ش). *مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم*. تبریز: مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی انسانی.

کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۸۹ش). *ساخت‌های زبان فارسی و مسئله ترجمه قرآن* (چاپ اول). تهران: انتشارات هرمس.

ماندی، جرمی. (۱۳۹۷ش). *معرفی مطالعات ترجمه؛ نظریه‌ها و کاربردها* (چاپ اول؛ علی بهرامی و زینب تاجیک، مترجمان) تهران: رهنما.

متقی‌زاده، عیسی. و احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۵ش). *معنی‌شناسی ترجمه «فاء» در قرآن و چالش‌های ترجمه آن*

الدرویش، محیی الدین. (بی‌تا). *إعراب القرآن الكريم وبیانه*. الیمامة للطباعة والنشر والتوزیع.

الزمخشری، محمود بن محمد. (بی‌تا). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل* (۴ جلد). ناشر دارالکتاب العربی.

السامرائی، الصالح. (۲۰۰۰م). *معانی النحو* (۴ جلد). عمان: دارالفکر، الطبعة الأولى.

الصافی، محمود بن عبد الرحیم. (۱۴۱۸ق). *الجدول فی إعراب القرآن الكريم* (۳۱ جلد). بیروت: مؤسسه الإیمان، الطبعة: الرابعة.

العسکری، أبوهلال. (۱۴۱۲ق). *معجم الفروق اللغویة* (الشیخ بیت الله بیات، پژوهشگر). مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الأولى.

المصطفوی، حسن. (۱۳۹۳ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الكريم* (۱۴ جلد؛ چاپ اول). تهران: انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ایزدینا، خدیجه. (۱۳۹۵ش). *تحلیل راهبردهای مورد استفاده در ترجمه اسم‌های خاص قرآنی بر اساس مدل چسترمن (۲۰۱۶)* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت].

بدیعی، نعیم. و قندی، حسن. (۱۳۸۱ش). *روزنامه-نگاری نوین (چاپ سوم)*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

بصیریان، حمید. (۱۳۹۰ش). *دستور زبان فارسی* (جلد ۱). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

دهخدا، علی اکبر. شهیدی، جعفر. مهرکی، ایرج. ستوده، غلامرضا. و سلطانی، اکرم. (۱۳۹۰ش-۱۳۸۵ش) *لغت‌نامه (۲ جلد)*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

ذهنی تهرانی، محمد جواد. (۱۳۶۳ش). *أساس الصرف*. قم: نشر حاذق.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴ش). *مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن*. (۳ جلد؛

- and Literature, 12(26), 217-244.
- Asgarpour, Siamak. (2018). *Rhetorical and Literary Critique of Translation (Case Study: Surah Fatir, Translation by Mohammadreza Safavi Based on Eugene Nida's Theory)* [Master's thesis, Shahid Madani University of Azerbaijan].
- Al-Taftazani, Masoud bin Omar. (n.d.). *Mukhtasar al-Ma'ani*. Qom: Dar al-Fikr.
- Al-Darwish, Mohiuddin. (n.d.). *I'rab al-Quran al-Karim and its Explanation*. Al-Yamama Printing and Publishing.
- Al-Zamakhshari, Mahmoud bin Mohammad. (n.d.). *Al-Kashaf 'An Haqaiq Ghawamidh al-Tanzil wa Uyoun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil* (4 Vols). Dar al-Kitab al-Arabi.
- Al-Samarai, Al-Saleh. (2000). *Meanings of Grammar* (4 Vols). Amman: Dar al-Fikr, 1st ed.
- Al-Safi, Mahmoud bin Abdul Rahim. (1418 AH). *Al-Jadwal fi I'rab al-Quran al-Karim* (31 Vols). Beirut: Al-Iman Foundation, 4th ed.
- Al-Askari, Abu Hilal. (1412 AH). *Dictionary of Linguistic Differences* (translated by Sheikh Beitollah Bayat, researcher). Islamic Publishing Foundation, 1st ed.
- Al-Mustafa, Hassan. (2014). *The Investigation of Quranic Terms* (14 Vols; 1st ed.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publishing.
- Izadpanah, Khadijeh. (2016). *Analysis of Strategies Used in Translating Proper Names of the Quran Based on Chesterman's Model* (2016) [Master's thesis, Islamic Azad University, Marvdasht Branch].
- Badi'i, Na'im & Qandi, Hassan. (2002). *Modern Journalism* (3rd ed.). Tehran: Allameh Tabatabai University Publishing.
- Basiriyani, Hamid. (2011). *Persian Grammar* (Vol. 1). Qom: International Center for Translation and Publishing of
- به زبان فارسی با تکیه بر دستور زبان عربی (بررسی موردی ترجمه‌های الهی‌قمشه‌ای، فولادوند و خرمشاهی). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۶(۱۴). ۱۷۵-۱۹۷.
- ناظمیان، رضا (۱۳۹۰ش). *ترجمه متون مطبوعاتی*. تهران: انتشارات سخن.
- ناظمیان، رضا. و خورشیا، صادق. (۱۳۹۸ش). تکنیک‌های روان‌سازی متن ترجمه در سه حوزه ساختار جمله، زمان و ضمایر. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۹(۲۰) (بهار و تابستان)، ۲۴۷-۲۷۳.
- هاشمی، انسیه. (۱۳۹۸ش). *مطالعه تطبیقی کارآمدی الگوهای گارسس و کارمن در ترجمه قرآن* [رساله دکتری، دانشگاه تهران].
- Chesterman, A. (2016). *Memes of translation: The spread of ideas in translation theory* (Rev. ed.). Amsterdam: John Benjamins.
- Hermans, T. (1999). *Translation in systems. Descriptive and system-oriented approaches explained*. Manchester: St Jerome.
- Toury, G. (1978/2000). The nature and role of norms in literary translation. In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (pp. 198-211). London: Routledge.
- <https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.139547.1918>
- ### Bibliography
- The Holy Quran
- Azarnoush, Azartash. (1996). *History of Translation from Arabic to Persian* (Vol. 1, Quranic Translations). Tehran: Soroush.
- Arkadiyevich Rubinchik, Yuri & Shafaqi, Maryam. (2012). *Modern Persian Literary Grammar*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Ahmadi, Mohammad Nabi & Babaei, Yahya. (2023). *Critical Review of Translations of Selections from the Novel "Sayidat al-Qamar" with Emphasis on Seven Techniques*. Translation Studies in Arabic Language

- Institute for Islamic Human Sciences Research.
- Karimi-Nia, Morteza. (2010). *Persian Syntax Structures and the Issue of Quran Translation* (1st ed.). Tehran: Hermes Publishing.
- Mandi, Jeremy. (2018). *Introduction to Translation Studies; Theories and Applications* (1st ed.; translated by Ali Bahrami and Zeinab Tajik). Tehran: Rahnama Publishing.
- Motaqi-Zadeh, Issa & Ahmadi, Mohammadreza. (2016). Semantics of the Translation of "Fa" in the Quran and Its Translation Challenges into Persian, Focusing on Arabic Syntax (A Case Study of Translations by Elahi-Qomshahi, Fouladand, and Khorramshahi). *Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 6(14), 175-197.
- Nazemian, Reza. (2011). *Translation of Newspaper Texts*. Tehran: Sokhan Publishing.
- Nazemian, Reza & Khorsha, Sadegh. (2019). Techniques of Text Fluency in Translation in Three Areas: Sentence Structure, Tense, and Pronouns. *Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 9(20) (Spring & Summer), 247-273.
- Hashemi, Ansiyeh. (2019). *A Comparative Study of the Effectiveness of Gorses and Carmen Models in Quran Translation* [Doctoral Dissertation, University of Tehran].
- Chesterman, A. (2016). *Memes of Translation: The Spread of Ideas in Translation Theory* (Rev. ed.). Amsterdam: John Benjamins.
- Hermans, T. (1999). *Translation in Systems: Descriptive and System-Oriented Approaches Explained*. Manchester: St Jerome.
- Toury, G. (1978/2000). *The Nature and Role of Norms in Literary Translation*. In L. Venuti (Ed.), *The Translation Studies Reader* (pp. 198-211). London: Al-Mustafa.
- Dehkhoda, Ali Akbar, Shahidi, Ja'far, Mehraki, Iraj, Stoudeh, Gholamreza, & Soltani, Akram. (2011-2006). *Lughatnameh* (2 Vols). Tehran: University of Tehran Press.
- Zehni Tehrani, Mohammad Javad. (1984). *Essence of Morphology*. Qom: Hāzeq Publishing.
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammad. (1995). *Al-Mufradat fi Gharibi al-Quran with Linguistic and Literary Interpretation of the Quran*. (3 Vols; translated by Gholamreza Khosravi Hosseini). Tehran: Mortazavi Publishing.
- Rabbani, Mohammad Hassan. (2013). *Lexical Knowledge of the Quran*. Mashhad: Noor Ma'arif Publishing.
- Rezaei, Maliheh. (2019). *A Study of Persian Translations of the Quran for Adolescents Based on Skopos Theory: A Case Study of Part 30*. [Master's thesis, Ferdowsi University of Mashhad].
- Comprehensive Quranic Website: <https://quran.inoor.ir/>
- Sharabasi, Ahmad. (1987). *Encyclopedia of Quranic Ethics* (6 Vols). Beirut, Lebanon: Dar al-Ra'id al-Arabi.
- Safavi, Mohammadreza. (2009). *Translation of the Quran*. Qom: Daftar Nashr Ma'arif.
- Tabatabai, Mohammad Hussein. (n.d.). *Tafseer al-Mizan Translation* (40 Vols). Ismailian Publishing.
- Anani, Mohammad. (2003). *Modern Translation Theory: An Introduction to Translation Studies*. Cairo: Longman. 1st ed.
- Faghihi, Ali Asghar. (1970). *Persian Grammar* (1st Vol; 2nd ed.). Qom: Hikmat Press.
- Qurashi, Ali Akbar. (1992-1993). *Qamus al-Quran* (7 Vols). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Gholizadeh, Heydar. (2001). *Structural Issues in Quran Translation*. Tabriz:

9547.1918

Routledge.

<https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.13>

¹ Gideon Toury

² Andrew Chesterman

^۳ زن فرهنگی

⁴ Memes of translation: The spread of ideas in translation studies

⁵ literal translation

⁶ loan

⁷ Vinay & Darbelnet

⁸ unit shift

⁹ Catford

¹⁰ transposition

¹¹ phrase structure change

¹² sentence structure shift

¹³ converses

¹⁴ trop change

¹⁵ emphasis change

¹⁶ explicitation change

¹⁷ calque

¹⁸ Information change

¹⁹ Sentence structure shift

